

آئینه آشنایی، ارمغان شاعر غریبانه

«حماسه های همیشه» عنوان کتابی سه جلدی است که به ارائه زندگینامه، شعر، نگاه و نقد و نظر ۴۲۴ شاعر معاصر می پردازد که در گستره شعر دفاع مقدس حضوری چشمگیر داشته اند. پرویز بیگی حبیب آبادی که دبیری بسیاری از کنگره های شعر دفاع مقدس را در طول این سالها به عهده داشته و خود از شاعران پیشگسوت دفاع مقدس بشمار می آید به نظر می رسد با دقت و پشتکاری که همراه اوست مناسب ترین فرد برای انجام این مهم بوده و بخوبی توانسته است از پس آن بپردازد.

این سه جلد کتاب که در واقع تذکره شاعران انقلاب اسلامی نیز می تواند به حساب آید، جامع ترین مرجعی است که می تواند مورد استفاده علاقه مندان به آشنایی اجمالی با شعر و شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس قرار گیرد. حماسه های همیشه در سه جلد و در مجموع با ۱۴۴۰ صفحه به همت انتشارات فرهنگ گستر با کیفیتی شایسته به چاپ رسیده است.



پرویز بیگی حبیب آبادی در مقدمه کتاب آورده است
«این کتاب حاصل آشنایی این جانب در طول دو دهه (۶۰ و ۷۰) با شاعرانی است که با بسیاری از آنان در محافل و انجمنهای ادبی، همایش های سراسری شعر دفاع مقدس، شبهای شعر مختلف برپا شده در دورترین نقاط کشور و جلسات

داشته اند آورده شود. بدیهی است آنچه پیش روی شماست نه همه حرف شاعران در شعر دفاع مقدس است و نه حرف همه شاعران. نه عاری از هرگونه نقص است و نه بی نیاز از هرگونه نقد. بل، تلاشی است در حد بضاعت این حقیر که همواره و در هر حال، هرگونه سخن و نقد منصفانه را به دیده منت پذیرایم.

امید است این تلاش که حاصل ۲۵ سال حضور در شعر این روزگار و همچنین هفت سال کوشش بی وقفه در گردآوری و در ثبت و نگارش آن است مورد قبول مخاطبان نکته سنج قرار گیرد. از آنجایی که به دلایل مختلف فرصت جمع آوری زندگی نامه همه شاعرانی که در موضوع دفاع مقدس صاحب شعر هستند فراهم نیامده امید است در فرصتی دیگر و در تکمله ای که جلد چهارم این اثر خواهد بود، شرح کامل تری ارائه شود.

بی مقدمه بگوییم، همه جنگها روزی به پایان می رسند و همه سرزمینهای سوخته، دیگر بار به وسعتهای سبز می پیوندند و همه چیز، در تکرار همیشگی خویش، تنام می یابد. امروز، از کنار سرزمینهای جنگ زده روزگاران پیشین که می گذری، هرگز این اندیشه در تو راه نمی یابد که روزگاری دشمنان این خله عزیز، بدانجا تاختند و همه چیز را به خاکستر نشانده اند.

آری، آن گاه هیچ پنجره ای نبود که به سمت ویرانی، باز نمانده باشد و هیچ حنجره ای نبود که در آن نشانی از عبور دشنه نباشد. آنچه بر جای ماند تنها ویرانه هایی بود سوخته، که به دیوارهای نیمه فرو ریخته تکیه کرده بود.

امروز وقتی از میان آن سرزمینها می گذریم هرگز نمی توانیم بفهمیم که بر آن دیوار، چه گذشته، شاید هر قدمی که بر زمین

نقد و بررسی شعر آشنا شده ام. بسیاری از شرح حال ها، حاصل گفت و گو و پرسش و پاسخ حضوری در طول همین آشناییها بوده است. برای این که این مهم با دقت و تأمل بیشتری صورت پذیرد، با تهیه پرسشنامه هایی خاص، این فرصت برای شاعر فراهم آمده است تا در فرصتی دیگر به صورتی دقیق تر و کامل تر، به پرسش های لازم پاسخ گوید. در مواردی که نکات جاافتاده و ناقص مبهمی وجود داشت سعی شد مجدداً به صورت حضوری یا گفت و گوی تلفنی و یا مراجعه به مصاحبه های انجام شده در نشریات رفع ابهام شود تا مطالب آورده شده از صحت بیشتری برخوردار باشند. در مواردی که توفیق دینار شاعر میسر نشد و مکاتبات نیز سودی نبخشید، با مراجعه به نشریات جنگهای ادبی، نوارهای موجود در بازار (صدای شاعر)، مجموعه اشعار و تذکره های موجود، اقدام به آوردن شرح حال کاملی (تا حد امکان) گردید که شمار این زندگی نامه ها نسبت به تمامی شرح حالها بسیار اندک است. در اینجا، اشاره به این نکته ضروری است که سعی شد سلیقه خاصی در انتخاب شاعران صورت نپذیرد و در طیفی وسیع و بدون تأثیرپذیری از نحوه نگرش شاعر به اطراف و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... زندگی نامه هر یک از شاعران که حتی با سرودن یک قطعه شعر به دفاع مقدس هشت ساله توجه



و «سفر» را در «رد پای عشق» آغاز کرده‌اند. اینان هرگز رنگ «تعلق» نمی‌گیرند. خود را به «فراموشی» نمی‌سپارند ایستاده فریاد برمی‌آورند. ایستاده می‌مانند و ایستاده می‌میرند.

عاقبت همه ما به دیار لبریز از ابهام مرگ می‌رویم و در این عبور ناگزیر پای می‌گذاریم پس نیکوتر آنکه در این چند روزه باقی به طریقی گام برداریم که رد پای را باقی نگذاریم. هر کس به سهم و بضاعت خویش و اهل قلم را می‌بایست قدمی فراتر باشد و ادعایی فروتر. قلمی آشناتر، آشناتر به درد و دردمندی که نقطه عطف مردانگی است. برای آشنایی بیشتر با شیوه کار این تذکره چند نمونه از معرفی شاعران انقلاب از این را که در این کتاب آمده در اینجا می‌آوریم:

● محمدرضا آغاسی

محمدرضا آغاسی در بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۳۸ در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را تا مقطع سوم راهنمایی ادامه داد و به مدت دو سال نیز در هنرستان تجسمی به آموزش نقاشی، طراحی و گرافیک پرداخت.

رویکرد آغاسی به شعر به سن دوازده سالگی بازمی‌گردد. وی با تأثیرپذیری فراوان از شاهنامه فردوسی که توسط برادرش در محیط خانوادگی و به صورت مکرر صورت می‌گرفت به سرودن شعر علاقه‌مند شد. شعرهای محمدرضا آغاسی تاکنون به صورت پراکنده در روزنامه‌های کیهان، رسالت و فرهنگ آفرینش و برخی مجموعه شعرهای گردآوری شده منتشر شده است.

وی در طول دهه هفتاد تاکنون در اقصی نقاط کشور و حتی در دورافتاده‌ترین مناطق به شعرخوانی در شبهای شعر، همایشها، یادواره‌های شهدای دفاع مقدس و شعرخوانی به مناسبت‌های مختلف مذهبی و دفاع مقدس در مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، پادگان‌های

می‌گذاریم درست در جای پای مردانی باشد که در عبوری بدون بازگشت بوده‌اند. عبوری که در راه دفاع از حریم عشق، به سمت یک وسعت آبی امتداد یافته است. عبوری که چون امتداد رود به دریا پیوسته است و در همین جاست که می‌توان به رسالت واژه‌ها پی برد و دانست که خلوند پس از آنکه «کلمه» را آفرید، به همه چیز حضوری دیگر داد و به همین اعتبار است که در این روزگار می‌توان از میان واژه‌ها، چکاچک شمشیرها را دید سرزمینهای سرپا نشسته در آتش را فهمید و دانست که چه ستمی بر این غریبستان همیشه مظلوم و همواره سرفراز رفته است.

امروز نیز جنگ پایان یافته است. این حرف را تاریخ هزاران بار گفته بود، ما نیز آن را تجربه کردیم. پایان جنگ، پایان فرود گلوله‌ها و خمپاره‌هاست، اما پایان رویش شقایق‌ها نیست که آغاز رویشی بالنده‌تر است. حالا باید کاری کرد که خون قلم بر گردنمان نماند. آیندگان چون از کنار خرمشهر بگذرند، شهر را خرم‌تر از همیشه خویش می‌بینند و اینجا، تنها واژه‌های این روزگار است که می‌تواند دیروز خرمشهر را در چشم آیندگان بنشانند و از عزیزی سخن بگویند که در شرجیانه‌ترین لحظات، واپسین آوازه‌های خویش را برای نخل‌ها زمزمه می‌کردند.

در این میان می‌توان نشست بی‌هیچ تکلفی، بی‌هیچ دغدغه‌ای و تارهایی به دور خود تنید و در انزوای عنکبوتی خویش، به بن‌بست «سکون» پناه برد. می‌توان به «طبق معمول» ها پیوست و در مدار «تکرار» جای گرفت. می‌توان به جمع «مسخ‌شدگان» پیوست و اندیشه‌های «کال» را در «حضیض» جست و جو کرد و می‌توان ایستاد. آری ایستاد و پنجره را گشود، به آن سوتر خیره شد و نگاه را در امتداد باورهای «سپید» رها کرد. در این میان، پاره‌ای نشسته‌اند بی‌هیچ تأملی، تفکری، هجرتی، حرفی، حدیثی، قلمی، قدمی، زبانی و بیانی و جمعی ایستاده‌اند بی‌هیچ تعلق، تملقی، هراسی، وسواسی

نظامی، منازل شهدا و... پرداخته است.
وی می گوید:

«در سال ۱۳۵۵ به انجمن ادبی ایران که تحت نظارت و سرپرستی استاد محمدعلی ناصح بود راه یافتیم و پس از انقلاب در حوزه هنری با استاد مهرداد اوستا و یوسفعلی میرشکاک آشنا شدم و بهره‌های فراوانی از محضر استاد اوستا بردم و به یوسفعلی میرشکاک نیز که استادام بود ارادت خاصی داشته و دارم. به نظر من شعر در همه حال درد دلی است که شاعر با خود زمزمه می‌کند.

خون هابیل در این بادیه می جوشد

دشت از خون شقایقها لبریز است
در خطی ممتد، سرها به ره افتاده
پشت سر، خستگی و نخوت و خودخواهی
رو به رو مقصد و ما در وسط جاده
سفری سخت‌تر از صاعقه در پیش است
بشتابیم که هنگام هملوردهی ست

فصل فارغ شدن از چنبر تشویش است
فصل آزادگی و شور و جوانمردی ست
من و یارانم از طایفه مرگیم
به بیابان جنون صحن و سرا داریم

چنگ بر دامن چنگی تپش لود است
پای در عزمی، بی چون و چرا داریم
جاده بر جاده روان شد ز عبور ما
پای از جاده کشیدن ز فتوت نیست
گر شود خالی این ره ز حضور ما

بی گمان در رگ ما خون مروت نیست
سال‌ها در سفر خویش نفرسویم
پس از این نیز در این جاده نفرساییم

کس شنیده‌ست دمی لغزش کارون را؟
جاده را پیشکش جاده نفرماییم!

دیده بر پنجره صبح تبسم کر
خوردن و خفتن بر سفره شب؟ هرگز!
رعد خندید و سیلاب تلاطم کرد
بازگشت و حرکت، رو به عقب؟ هرگز!
ای که در بستر تردید فرو خفتید
خویش را همره این قافله بشمارید
نیشتان خشک شود، زخم‌زبان تا چند؟
عشقبازان راه دیوانه مینارید

پنجه بر پنجره بسته چه می‌گویید؟
شکر عاقبت، آماس و دمل دارد
نشر دست حکیم، آخته چون شمشیر
سر تعظیم به فرمان عمل دارد
عمرتان طی شد و از خویش نپرسیدید
ما که هستیم؟ و به دنبال چه می‌گردیم؟
ز چه رو، در تپش دردی‌بری‌ها
مانده در عزلت نامردی و بی‌دردیم
سنگ بر جبهه احمد ز چه اندازید؟
نام الله به پیشانی ما حک شد
تیرها! راه خدا را نتوان بستن

شتر قافله، تابوت مشبک شد
پشت پیشانی محراب کمین کردید
بینه چون زانوی اشتر به جبین دارید
که علی سجده خونبار به جای آرد
تیغ بر تارک افلاک، فرود آرید؟
رجم روح شما، نطفه کین دارد
جمل قاجعه آبستن صفین است
این سفر نیز علی تیغ برافشاند
ختم این غائله چون نوبت پیشین است
کوفیان! کسوت تشویش به تن کردید
به شما یان، سفر شام مبارک باد
سر ما را به سر نیزه، بگردانید
بر شما، ذلت ایام، مبارک باد!
مرگ بازیچه سرپنجه سیمرخ است
سجده در لجه خون شیوه کرکس نیست
خون هابیل در این بادیه می جوشد
از چه می‌گویید، این خاک مقدس نیست؟!
کرکسان از دل سیمرخ چه می‌دانید؟
چه خبر دارید از عرصه پروازش
امشب از زمزمه خون که می‌نوشید؟
که فضا پر شده از زمزم آوازش
اما افسوس که گوش شنوایی نیست
سفره دل به کجا باید بکشاییم؟
وعظ در گوش شما راه نخواهد برد
آب در هاون، بیهوده چه می‌ساییم...!
هر نفس از جگرم آتش می‌بارد
شرح این واقعه را تاب ندارد کس
دیده بر داغ شهیدانم خون می‌پیچید
آب در خانه تند، خواب ندارد کس
«پیر ما» آینه‌گردان حضور هاست
در دل آتش و خون تیر و کمان داریم
خطری نیست که از پا فکند ما را
از کف جلاده‌ها خط امان داریم
تیغ اگر بارد از ایر به جای آب
ما کویریم و بر آن سینه سیر سازیم
تیر اگر بارد از دامن مهتاب
سپری در خورش از جنس جگر سازیم
پیر ما گفت که در دایره می‌رقصیم
رسته از زاویه‌ها نقطه تسلیمیم
دست در دست تپش‌های جنون خیزیم
آتش عرصه هفتاد و دو اقلیمیم
پیر ما گفت که امشب شب عاشورا است
هر کسی تاب ندارد به سلامت باد
هر که چون صاعقه بر خصم نیاشوید
تا ابد دستخوش ننگ و ندامت باد
پیر ما گفت که نیرنگ خنادادیم
کوه صبریم که سرچشمه آشوبیم
خصم اگر صخره شود، موج برافشانیم
به سراسیمگی‌اش، صاعقه می‌کویم
پیر ما گفت که در ساغر تنهایی
شوکران دارم و می‌نوشم و دلشادم
یا دلی مطمئن از خرقة برون رفتم
سحر نیم شب نیمه خردادم.



• حسین آهی

حسین آهی در سوم آذرماه سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند و پس از پایان تحصیلات مقدماتی و عالی، به زبانهای عربی و انگلیسی و آلمانی آشنا شد. حسین آهی در پاره‌ای از علوم قدیمه مانند صرف، نحو، منطق، نجوم، فقه، اصول عروض و کلام به مطالعه و تحقیق پرداخته و صاحب نظر است. رویکرد وی به شعر به سال ۱۳۴۵ باز می‌گردد. شعرهای آهی تاکنون به صورت پراکنده در بیشتر مطبوعات کشور، به ویژه مجلات گوهر و یغما، به چاپ رسیده است.

او پس از تشکیل گروه شعر در حوزه اندیشه و هنر - حوزه هنری - در جمع شاعران حضور می‌یافت و به تدریس در زمینه عروض شعر فارسی می‌پرداخت. وی تا به امروز با شرکت در برخی از کنگره‌های سراسری شعر دفاع مقدس و شبهای شعر دفاع و مقاومت تعلق خاطر خود را به حضور در این عرصه نشان داده است. آهی در سال ۱۳۵۵ به کشورهای آسیای میانه و افغانستان سفر کرد و از نزدیک با نحوه گسترش و حضور زبان و ادبیات فارسی در آن کشورها آشنا شد. وی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ در کشور آلمان به سر می‌برد و به منظور آموزش زبان فارسی، مدارس ایرانیان را در شهرهای مختلف آلمان تأسیس کرد و همزمان در آن کشور به تدریس نقد ادبی، دستور زبان تطبیقی و ادبیات فارسی همت گماشت. وی به جز سرودن شعر، به تحقیق به ویژه در متون ادبی همت گماشته و ضمن پرداختن به نویسندگی در برخی از برنامه‌های ادبی صدا و سیما، مقالات و مطالب تحقیقی خویش را نیز از طریق این رسانه، در اختیار علاقه‌مندان به ادب پارسی قرار داده است. حسین آهی در علم عروض صاحب نظر است. برخی از استادان ادب پارسی و شاعران درباره او نوشته‌اند:

دکتر مهدی حمیدی: «من تصدیق می‌کنم که در طی»

دوره دانش آموزی، دانشجویی، دبیری، دانشیاری و استادی خود هرگز با کسی مواجه نشده‌ام که یک دهم اطلاعات عروضی آقای حسین آهی را داشته باشد. در یک جمله بگویم: اگر این جوان «در هفده سالگی ایشان» در پی آن بود که استادی کرسی عروض را در دانشگاه احراز کند - و برای این کار از من نمره‌ای می‌خواستند - با آنکه در تمام دوران استادی خود هیچ‌گاه چنین کاری نکرده‌ام - به او بی‌مضایقه نمره بیست می‌دادم.»

امیری فیروز کوهی: «به نظر و سلیقه من و شاید اکثر اهل ادب تاکنون در تسهیل علم عروض، چنین صورتی ابتکاری از طرف آن همه مؤلف به وجود نیامده و کاریست کاملاً ابتکاری، در مجموع خدمت و زحمت این جوان دانشمند یعنی آقای «حسین آهی» را جز با قدردانی و سپاس مقابله نمی‌توان.»

دکتر حسن سادات ناصری: «آقای حسین آهی شمس

قیس روزگار ماست.»

مهدی اخوان ثالث: «من فکر می‌کردم به این علم پیچیده خیلی احاطه دارم، وقتی حسین آهی چند مورد از خطاهای مرا برای من شرح کرد دیدم وای: آن الزمان لامله لعقیم.»

بخشی از آثار منتشر شده حسین آهی عبارت‌اند

از:

۱. بحور شعر فارسی، انتشارات خزر، ۱۳۵۵ و به صورت پاورقی

- در مجله سروش از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲.
۲. حاشیه بر آرث شرح لمعة شهیدین، انتشارات نور دانش، قم، ۱۳۵۴.
 ۳. فهرست کامل عروضی دیوان ناصر خسرو، انتشارات فروغی، ۱۳۵۶.
 ۴. حواشی و تعلیقات و تصحیح المعجم شمس قیس، انتشارات خزر، ۱۳۵۶.
 ۵. فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات حیدر بابا، ۱۳۶۰.
 ۶. اصول زبان فارسی، انتشارات حیدر بابا، ۱۳۶۰.
 ۷. فنون شعر فارسی (بدیع و بیان)، انتشارات حیدر بابا، ۱۳۶۰.
 ۸. فصول شعر و اصول شاعری، سلسله مقالات مندرج در مجله سروش در ۶۵ شماره از سال ۱۳۶۲.
 ۹. حواشی دیوان فیضی آگره‌ای، انتشارات فروغی، ۱۳۶۲.
 ۱۰. تعلیمات و حواشی درة تجفی، انتشارات فروغی، ۱۳۶۲.
 ۱۱. تصحیح کامل معیار الاسعار خواجہ تصیر طوسی، انتشارات سروش، ۱۳۶۲.
 ۱۲. فنون ادبی (عروض فارسی)، از سلسله کتاب‌های درسی آموزش و پرورش برای سال چهارم دبیرستان‌ها، ۱۳۶۳.
 ۱۳. فهرست کامل عروضی دیوان قطران تبریزی، انتشارات خزر، ۱۳۶۲.
 ۱۴. خیام‌شناسی، انتشارات سروش، ۱۳۶۳.
 ۱۵. فرهنگنامه آلمانی فارسی، ناشر مدرسه ایرانیان در آلمان، ۱۳۶۵.
 ۱۶. هفتاد قاعده، ناشر، مدرسه ایرانیان در شهر کلن آلمان، ۱۳۶۶.
 ۱۷. مقدمه و حواشی بر دیوان عمادالدین نسیمی، انتشارات فروغی، ۱۳۶۹.
 ۱۸. فهرست عروضی حافظ، انتشارات اسدی، ۱۳۷۱.
 ۱۹. دیوان ریاضی یزدی، حواشی و تصحیح و مقدمه، انتشارات اسدی، ۱۳۷۱.
 ۲۰. تصحیح و شرح دیوان کامل بیدل، انتشارات معین، ۱۳۷۶.
 ۲۱. تصحیح کتاب کامل بهایی، در کلام

تازه خون دینه ما را گشت روی زرد، سرخ
کی شود از شرم پیش منت نامرد، سرخ
روسیاهی ماند بر آریاب زور و، دی گذشت
دست و روی ماست اما، زان هوای سرد، سرخ
پنجه مرجان بود گلرنگ از سیلی موج
پیش نامردم شود از فیض غیرت مرد، سرخ
نیست هر تردامنی از حلقه آزادگان
آبر نیلی هست از خورشید تنها گرد، سرخ
تا نباشم شرمگین پیش سیه‌کاران ز عجز
دیده را نازم که ما را کرد روی زرد، سرخ
طبع آتش خیز من کی افسرد در خاک مرگ
لاله بر خاکم شود جای سخن از درد، سرخ
چوب دار خویش را می‌کرد آهی سبزر
تا زبانی در دهان طبع، می‌پرورد، سرخ



● محمود اکرامی

محمود اکرامی در سال ۱۳۳۸ در روستای جوشقان از توابع اسفراین خراسان به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات تا دیپلم را در همان جا گذراند و در سال ۱۳۵۶ دیپلم ادبی گرفت. در سال ۱۳۶۴ در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد به ادامه تحصیل پرداخت ولی این رشته را پس از سه سال رها کرد و مجدداً در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران آغاز به تحصیل کرد و در سال ۱۳۷۱، با دریافت مدرک کارشناسی ارشد، در رشته مردم‌شناسی فارغ‌التحصیل شد. رویکرد او به شعر به سال‌های دانشجویی در مقطع کارشناسی بازمی‌گردد. اشعار او بصورت پراکنده در مجلات نیستان، شعر و ... انتشار یافته است.

آثار چاپ شده وی به شرح زیر است:

۱. از آن همه آسمان، مجموعه شعر، شرح رشادتهای شهید حکیم و شهید علم‌الهدی، ناشر: گنگره سرداران شهید خوزستان
۲. گزیده ادبیات معاصر، مجموعه شعر، شماره ۳۲، انتشارات نیستان، ۱۳۷۸

سخنان شاعر

وی می‌گوید:

«شاید شعر به تعداد انسانها، تعریف داشته باشد ولی به عقیده من، شعر بیان یک مفهوم به بهترین شکل ممکن در قالب زمان است که بتواند مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهد و در واقع شاعر با مخاطبش شعر می‌سراید نه خودش. اکرامی فر بهترین شعر را شعر سید قیصر امین‌پور و بهترین شاعر را نیز، قیصر امین‌پور می‌داند. شعر دفاع مقدس از نظر او... شعری مقدس است مثل خود دفاع و در واقع بیان شکوهمندی‌ها و ارزش‌های متبلور در جنگ بوده و بالنتیجه آن، در توجه به ارزش‌ها و ترویج فرهنگ جبهه و جنگ است.»

مسجد خر مشهر

همدوش با شمله‌های، پنهان و پیدای آتش
می‌رقصد آرام آرام، شط بر بلندای آتش
این مادیان سید ماه است این گونه مبهوت
در چشم شط ایستاده، غرق تماشای آتش
«مسجد» بزرگ ایستاده سرسبز و خاموش، هر چند
ورد زبان درخت است، بیت‌الغزل‌های آتش
از بس که این کولی باد، با دختر شعله رقصید
از شهر بر جای مانده است، تنها رد پای آتش
شط و شب و شمله در پیش، من می‌روم موج باشم
موجی عمود ایستاده، بر سطح دریای آتش
گفتند «این خاک دیگر، سرو وضو بر ندارد
خورشید اینجا غریب است، اینجا دلاور ندارد»
گفتند «خوبست، خوبست، در گوشه‌ای دفن سازیم
این آسمان راه که بوی بال کیوتر ندارد»
از سرخی شمعدانی، تعریف کردند، هر چند
دیدند این باغ عاشق، از لاله بهتر ندارد
بر شانه‌ها خیابان، بردند یاران ما را
بردند و بردند، انگار این کوچه آخر ندارد
یک آسمان ابر دارم، در سینه از سوگ گل‌ها
یک شب بیاید ببیند، هر کس که باور ندارد
شهری که گویند «شهر، خورشید» باشد، همین جاست
شهری که «یوسف» در آنجا، ترس از برادر ندارد

● قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در گتوند از توابع شهرستان دزفول به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به دزفول رفت. امین‌پور در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی گرفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. قیصر امین‌پور مجدداً در سال ۱۳۶۳ تغییر رشته داد و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران دنبال کرد و در سال ۱۳۶۶ به دریافت مدرک کارشناسی نائل آمد. وی در همان سال به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۶۹ مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را کسب کرد و در ادامه این راه در بهمن ماه سال ۱۳۷۶ با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. دکتر قیصر امین‌پور از زمره شاعرانی است که از همان آغاز فعالیت‌های حوزه هنری به جمع گروه شعر آنجا پیوست و همگام با سایر شاعران فعال حوزه هنری در بسیاری از شب‌های شعر برگزار شده در جبهه‌های دفاع مقدس شرکت کرد و در مناطق مختلف عملیاتی به شعرخوانی پرداخت. وی عضو شورای شعر و ادبیات حوزه بود و در تشکیل جلسات شعرخوانی و نقد و بررسی شعر و تشویق و ترغیب شاعران جوان انقلاب نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشت. فعالیت‌های امین‌پور در حوزه اندیشه و هنر تا اواخر سال ۱۳۶۶ ادامه یافت. وی سپس به جمع نویسندگان و شورای سردبیری مجله سروش نوجوان پیوست که این همکاری تا این زمان ادامه دارد. دکتر امین‌پور در حال حاضر به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اشتغال دارد. وی در آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ دچار سانحه تصادف در جاده کناره شمال گردید و به شدت مجروح شد. شدت جراحات وارده به دکتر امین‌پور به حدی بود که وی تاکنون به دفعات تحت عمل‌های مختلف جراحی قرار گرفته و برای ادامه معالجت برای مدت کوتاه به کشور انگلستان اعزام شده است. وی در سال ۱۳۸۱ تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفت و بهبودی نسبی یافت. دکتر قیصر امین‌پور در سال ۱۳۶۷ از مؤسسه گسترش هنر، جایزه ویژه نیما یوشیج را دریافت کرد.

دکتر امین‌پور در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفاع مقدس در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ برگزیده شد.

در دست چاپ

سنت و نولوری در شعر معاصر، پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی.

سخنان شاعر

وی می‌گوید:

«... شعر بعد از توفان اتفاق می‌افتد. حال چه توفان درونی باشد و چه توفان بیرونی، چه توفان نوح باشد و چه توفان روح... همه آدم‌های خوب شاعرند. همه فیلسوفان و اولیاء و امامان شاعراند. اصلاً اگر نمی‌ترسیم که کفر باشد می‌گفتم که همه پیامبران شاعرند و بالاتر از آن می‌گفتم خدا هم شاعر است و وقتی که می‌گویم همه آدم‌های خوب شاعر هستند، پس می‌توانم بگویم همه شاعران آدم‌های خوبی هستند. البته همه شاعران، (یعنی روی کلمه شاعران تأکید دارم) پس اگر می‌بینید که بعضی از شاعران آدم‌های بدی هستند، بدانید که آنها یا شاعر نیستند و یا آدم نیستند... شعر قطاری روشن است که از عمق یک تونل تاریک و طولانی بیرون می‌خزد. قسمتی از این قطار، همیشه در تاریکی و دود و مه پنهان است.»

● بهزاد پور حاجیان

بهزاد پور حاجیان در سال ۱۳۴۶، در خوزستان به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات را در زادگاهش و در مشهد گذراند و در سال ۱۳۶۸، دیپلم تجربی گرفت.

«پور حاجیان» در همان سال به جمع دانشجویان دانشگاه پزشکی مشهد پیوست و در سال ۱۳۷۶، به دریافت مدرک دکترای پزشکی نائل آمد.

شعرهای او تاکنون به صورت پراکنده در نشریات مختلف و نشریات استانی از جمله قدس، خراسان، ماهنامه شمیم و روزنامه جمهوری اسلامی، انتشار یافته است.

وی با شرکت در برخی از همایش‌های سراسری شعر دفاع مقدس، علاقه‌مندی خود را به حضور در این عرصه نشان داده است. «پور حاجیان» به غیر از سرودن شعر، در زمینه تهیه متن‌های عاشورایی نیز با صدا و سیمای استان همکاری داشته است.

وی در طول دوران دفاع مقدس در جبهه‌های جنگ شرکت داشته و همین حضور، باعث تأثیرپذیری فراوان او از لحظات پرفراز و نشیب حماسه هشت ساله بوده است.

دکتر «پور حاجیان» برای سروده‌های خود بیشتر قالب‌های غزل و مثنوی را برگزیده است.

وی می‌گوید:

«جوششهای درونی، مرا به سوی شعر کشاند. شعر دفاع مقدس باید منعکس‌کننده ارزشهایی باشد که دارا بودن آن در قالب‌های فردی انسانی والا و متدین و در قالب اجتماعی، یک اجتماع پیشرو و فعال و در عین حال معنوی و روحانی را تعریف می‌کند. ارزیابی شعر دفاع مقدس آن هم به اختصار می‌تواند چنین باشد که تا مقصد هنوز، فاصله زیادی دارد.»

روح عاشورایی

رگ به رگ حس می‌کنم گرمای شمشیر تو را
سینه کم دارد شکاف آخرین تیر تو را
یک نفس پیچیده در من روح عاشورایی‌ات
دوست دارم بازدمهای نفسگیر تو را
گامهایم گرچه در شرم اسارت مانده‌اند
می‌کشم بر شانه‌هایم زخم زنجیر تو را
سالها در حسرت این داغ سرکش می‌روم
تا بگیرد دستهایم دست تقدیر تو را
بغض سنگینی مرا با عشق محرم می‌کند
بوسه می‌خواهد گلویم تیغ شمشیر تو را
مانده‌ام چشم انتظارت، لحظه‌هایم مال تو
دوست دارم بر کند آئینه تصویر تو را...

شعر شکفتی و شکفتگی است... شعر یعنی احساس، یعنی دریافت یعنی احساس احساس. و شعر یعنی حضور، یعنی غیبت، حضور در خویش، ظهور در خویش و غیبت از خویش... اصولاً زبان از هیچ کسی دستور نمی‌گیرد، به جز از خودش. مخصوصاً زبان شعر که تنها از دل دستور می‌پذیرد. در یک کلام، زبان شعر نه دستور می‌دهد و نه دستور می‌گیرد. در شعر، زبان، منشی دل است. «هر چه دلم گفت بگو گفته‌ام» و مدتهاست که نظام ارباب و رعیتی در روستای شعر لغو شده است... شعر فعلی است که در تعریف آن باید از وجه التزامی استفاده کرد. همراه با چندین قید تردید «شاید» و «گویی» و «پنداری» و «یای» شک و تردید و حتی «یای» گزارش خواب.»

دکتر امین پور در جایی دیگر می‌گوید:

«... داوری، به ویژه برای ادبیات و هنر دوره‌های خاص، بسیار دشوار است. منظور از دوره‌های خاص دوره‌هایی مانند مشروطیت، انقلاب، جنگ و دفاع است که انگاری شعر و ادبیات در این دوره‌ها وظیفه کارکرد رسالت و در نتیجه‌گویی تعریف دیگری دارد یا می‌یابد. بنابراین اگر بخواهیم با همان معیارهای آرمانی و همیشگی دوره‌های دیگر به سراغ این دوره‌ها برویم چه بسا که دست خالی برگردیم و گمان کنیم که خبری از هنر و ادبیات نبوده است در حالی که در بررسی چنین دوره‌هایی بهتر است که به جای نقد ایده‌آل به نقد رئال بیشتر بگراییم یعنی واقعگرایانه‌تر نگه کنیم نه صرفاً آرمانی و ایده‌آل. مثلاً در دوره مشروطه، یکی از مورخان گویی ادوارد براوان می‌گوید: اگر شعرهای این دوره را جمع کنیم تاریخ منظوم وقایع این زمان را در دست خواهیم داشت و روشن است که در چنین دوره‌هایی هنرمند و شاعر و نویسنده بیان واقعیات اجتماعی حوادث زمانه را اصل می‌داند. اما درباره شعر دفاع مقدس باید فرصت و مجال بیشتری برای مطالعه و تحقیق و گزینش داشته باشیم تا بتوانیم اظهار نظر دقیق‌تری کنیم. البته این بدان معنا نیست که شعر دفاع مقدس صرفاً شعری شعاری بوده است بلکه اتفاقاً در این دوره شعرهای خواندنی و ماندنی هم کم نداریم.»

در گفت و گویی که با دکتر امین پور درباره بهترین شاعران دفاع مقدس داشتیم وی چنین گفت:

«قضاوت در این زمینه بسیار دشوار است زیرا ممکن است شعری دارای نقد ایده‌آل نباشد اما به لحاظ تأثیرگذاری بر روی اذهان مخاطبان، دارای گستره‌ای فراوان باشد. من در طول دوران دفاع مقدس ضمن احترام به پیشکسوتان و استادان این عرصه با آثار ارزشمند و قابل ستایش از سوی شاعر نسل جوان‌تر رویه‌رو بوده‌ام که از حیث کمی و کیفی نیز، قابل تقدیر و ارج فراوان است.»

